

بازنمایی شیطان در رسانه ملی بر اساس آموزه‌های اسلامی (موردکاوی: سریال‌های/اعماء و/و یک فرشته بود)

علی رجبزاده طهماسبی*

چکیده

سیما و شخصیت شیطان، به منزله موجودی که از درگاه پروردگار رانده شده است، همواره بحث‌برانگیز بوده است. شیطان در برابر پروردگار سوگند یاد کرده است که همواره تلاش خواهد کرد انسان‌ها را از صراط مستقیم دور و آن‌ها را به سمت خود (به سوی کفر و شرک به پروردگار) هدایت کند. قرآن کریم همواره انسان را از فریب شیطان برحذر داشته است. با توجه به تأکیدات قرآن کریم و منابع دیگر، هم‌چون احادیث و روایات، شخصیت شیطان برای مسلمانان و مؤمنان منفور است. سینما و تلویزیون، به منزله مهم‌ترین و پرمخاطب‌ترین رسانه‌های جهانی، سعی در بازنمایی و تصور کردن دنیای نامرئی و ماورایی داشته‌اند؛ زیرا نه فقط برای انسان پرسش‌برانگیز است، بلکه بازنمایی چنین موجودات و جهانی، انسان را در شناخت و درک آن‌ها یاری می‌کند. بی‌تردید این بازنمایی باید قبل از هر چیز به آموزه‌های اسلامی تکیه کند. سریال‌های تلویزیونی/اعماء و/و یک فرشته بود، که در رسانه ملی تولید و از طریق آن پخش شده‌اند، ابلیس را به تصویر کشیده‌اند. پژوهش حاضر تلاش دارد به روش کیفی و توصیفی، ابتدا سیما و جای‌گاه ابلیس را در جهان واکاوی کند و سپس با تحلیل موضوعی این دو سریال تلویزیونی به چگونگی بازنمایی ابلیس در رسانه بپردازد.

کلیدواژه‌ها: بازنمایی، شیطان، رسانه، سینما، تلویزیون.

۱. مقدمه

۱.۱ اهمیت و ضرورت تحقیق

ابلیس و شیاطین قابل رؤیت نیستند، به همین دلیل درک، شناخت، و پی بردن به حقیقت وجودی آن‌ها برای آدمی همواره اهمیت داشته است. در عین حال که شناخت طبیعت و امور مرتبط با آن‌ها امری آسان نیست، اما این موجودات جای گاهی مهم و نقشی اساسی در زندگی بشر و جهان هستی دارند. قرآن کریم مهم‌ترین و بزرگ‌ترین راهنمای انسان در طول حیاتش است و بارها درباره ملائک سخن گفته است و گاهی آشکارا و گاهی مبهم به آن‌ها، اعمال، و جهان منحصر به فردشان پرداخته است. بازنمایی نادرست آن‌ها در رسانه ملی موجب می‌شود که در ذهن مردم شکل خرافات یا افسانه به خود بگیرند. بنابراین، پژوهش در راستای چگونگی بازنمایی ابلیس یا شیطان در رسانه ملی کشور بسیاری ضروری است.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌گران متعددی در حوزه فرشته‌شناسی کتاب‌های ارزنده‌ای ارائه کرده‌اند که می‌توان به سه کتاب از عباسعلی کامرانیان با نام‌های *عصیان‌گر؛ بررسی خلقت، کارها، و انواع شیطان* (۱۳۸۷)، *فرشته‌ها* (۱۳۸۸)، *جن؛ بررسی خلقت، زندگی و کارهای جنیان بر اساس آیات قرآن کریم، روایات ائمه اطهار (ع) و حکایات واقعی نوشته عباسعلی کامرانیان* (۱۳۸۹) و کتاب‌های دیگری از جمله *فرشتگان نوشته دایانا کوپر* و *ترجمه فریبا مقدم و فرشتگان تحقیقی قرآنی، روایی و علمی نوشته علی رجالی تهرانی* (۱۳۷۶) اشاره کرد. هم‌چنین پایان‌نامه‌های متعددی در این زمینه در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد نگاشته شده است. اما این پژوهش‌ها معمولاً به صورت توصیفی و برای شناساندن فرشتگان و شیاطین و جهان و امور مرتبط با آن‌اند و به تحلیل ارتباط رسانه‌ها با فرشتگان پرداخته‌اند. هم‌چنین درباره راه کارهای کاربردی و عملی در زمینه بازنمایی فرشتگان در رسانه در سطح ملی پژوهشی صورت نگرفته است. در این پژوهش، علاوه بر قرآن کریم، احادیث و روایات معتبر، به تفسیر و تحلیل متفکران و عالمانی هم‌چون علامه مجلسی، طباطبایی، و جعفری توجه شده است.

۳. اهداف پژوهش

۱. استفاده فیلم‌سازان و برنامه‌سازان، مخصوصاً در تلویزیون، از نتایج پژوهش برای بهبود کیفی آثارشان؛

۲. ارائه صحیح معارف‌های اسلامی در قالب‌های جذاب و سرگرم‌کننده (کتاب، فیلم، برنامه تلویزیونی و ...)

۳. بازشناسی رسانه ملی و اسلامی در جامعه دینی ایران و قدرت آن برای غلبه بر تهاجمات فرهنگی.

۴. پرسش‌های پژوهش

۱. آیا رسانه‌ها این توانایی را دارند که مفاهیم و پدیده‌های مابعدالطبیعی را به معرض نمایش بگذارند؟

۲. رسانه‌های دیداری و شنیداری جمهوری اسلامی ایران تا چه اندازه‌ای در بازنمایی درست و حقیقی سیمای شیطان موفق بوده‌اند؟

۳. برای جلوگیری از تحریف‌ها و خرافاتی که از طریق رسانه‌ها وارد اذهان بشر می‌شود چه راه‌کارهایی باید در پیش گرفت؟

۵. مفهوم «شیطان»

شیطان از واژه «شطن» به معنی خبیث و پست گرفته شده است که در اصطلاح به مفهوم موجودی یاغی و شریر است. یکی از سؤالاتی که درباره شیطان پرسیده می‌شود این است که آیا شیطان نیز از جمله فرشتگان بوده است؟ در قرآن از شیطان با نام ابلیس یاد شده است. شیطان اسم عام است و به هر موجود منحرف‌کننده، سرکش، و خبیث می‌توان گفت. در حالی که ابلیس اسم خاص است و قرآن با همین نام شیطان (ابلیس) را خطاب می‌کند. قرآن کریم به صراحت اعلام می‌کند که شیطان از جنس جن بوده است. در آیه ۵۰ سوره کهف آمده است: «هنگامی که به فرشتگان گفتیم که بر آدم سجده کنید، سجده کردند مگر ابلیس که از جن بود ...». علاوه بر این که در این آیه فرشته نبودن ابلیس مشخص می‌شود، به دو نکته دیگر هم اشاره می‌شود: اول این که فرشتگان قبل از انسان خلق شده‌اند و دیگر این که خداوند آدمی را برتر از فرشته قرار داده و فرشتگان از درک مقام آدم عاجزند. تفاوت بارز دیگری که شیطان با فرشتگان دارد در این است که شیطان می‌تواند زاد و ولد داشته باشد.

اسم ابلیس در آغاز عزرائیل بود. او وقتی به سن ازدواج رسید با دختری از جن به نام «لہبا» یا «لہیا» ازدواج کرد و پس از این ازدواج فرزندان زیادی از آن‌ها تولد یافت و شیاطین در جهان زیاد شدند (بحرانی، ۱۳۸۹: ۲/ ذیل «آیات سوره حجر»).

درباره تولد شیطان از امام صادق (ع) روایت شده است:

پس از آن که خداوند تبارک و تعالی نار سموم را، که آتشی بدون دود و حرارت بود، خلق کرد از آن مارچ را آفرید. سپس برای مارچ همسری به نام مارچه آفرید که افراد زیادی از طایفه جن از جمله ابلیس از آن‌ها تولد یافتند (غفاری، ۱۳۸۹: ۴۸).

بنابراین، ابلیس از جنس فرشتگان نیست و تفاوت‌های فاحشی با آن‌ها دارد. در آیات قرآنی آمده است که خداوند به فرشتگان دستور می‌دهد که سجده کنند و ابلیس سجده نمی‌کند و به شیطان اجازه داده شده تا روز قیامت زنده بماند و تلاش کند تا بندگان خداوند را گمراه کند. بنابراین، شیطان همیشه در کمین بشر است و از هر ترفند، فریب، و وسوسه‌ای برای گمراهی آدمی بهره می‌جوید. در سوره حجر آمده است:

قَالَ فَأَخْرَجُ مِنْهَا فَايْنِكَ رَجِيمٌ، وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ، قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ، قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ: از صف آنان (فرشتگان) بیرون رو، که رانده شده‌ای. و لعنت حق تا روز قیامت بر تو خواهد بود. گفت: پروردگارا! مرا تا روز رستاخیز مهلت بده. فرمود: تو از مهلت‌یافتگانی تا روز و وقت معینی (حجر: ۳۴-۳۷).

به همین سبب، خداوند هشدارهایی به انسان در برابر شیطان داده است. امام باقر (ع) در این باره می‌فرماید:

منظور از آمدن شیطان به سراغ انسان از پیش رو این است که آخرت و جهانی را که در پیش رو دارد در نظر او سبک و ساده جلوه می‌دهد و منظور از پشت سر این است که آن‌ها را به گردآوری اموال و تجمع ثروت و بخل از پرداخت حقوق واجب به خاطر فرزندان و وارثان دعوت می‌کند و منظور از طرف راست این است که امور معنوی را به وسیله شبهات و ایجاد شک و تردید ضایع می‌سازد و منظور از طرف چپ این است که لذت مادی و شهوات را در نظر آن‌ها جلوه می‌دهد (طبرسی، ۱۳۸۰: ۴/۴۰۳).

۶. بازنمایی شیطان

شیطان نیز هم‌چون فرشتگان در رسانه‌ها تحلیل و بازنمایی شده است. اما بر اساس قرآن کریم و منابع مستند، شخصیت و جنس ابلیس و شیاطین با فرشتگان متفاوت است. در قسمت‌های قبل شخصیت، جنسیت، اعمال، و ویژگی‌های شیاطین بررسی شد. اکنون دو اثر تلویزیونی که در آن‌ها ابلیس بازنمایی شده است نقد و تحلیل می‌شود. شیطان علاوه بر سینما، در هنرهایی هم‌چون نقاشی و گرافیک نیز بازنمایی شده است. مثلاً چگونگی ارتباط

شیطان با حضرت آدم (ع) از مناقشه برانگیزترین مسائل دینی در ذهن نویسندگان، پژوهش‌گران، و مردم عادی است.

سریال‌های *اعماء* و *او یک فرشته بود* از جمله آثاری‌اند که در سال‌های اخیر در ماه مبارک رمضان از تلویزیون پخش شده‌اند و هر کدام به سبب بازنمایی ابلیس، مورد نقد و انتقادهای بسیاری قرار گرفته‌اند. وسوسه، اغواء، و دروغ از مهم‌ترین ابزار شیطان است. برای مشخص شدن ویژگی‌های شیطان لازم است به کارها و اعمالی رجوع شود که خداوند انسان را از آنها منع کرده است. آن اعمال همان کارها و ویژگی‌های شیطان خواهد بود.

رسول خدا (ص) فرموده‌اند: پس از آن‌که شیطان از درگاه الهی رانده شد و او را به روی زمین فرستادند، از خداوند حاجاتی خواست. خداوند فرمود: حاجات چیست؟ شیطان تقاضای مکان و خانه کرد و خداوند حمام را خانه او قرار داد. جایی برای نشستن تقاضا کرد و خداوند کوچه‌ها، بازارچه‌ها، خیابان‌ها، و مغازه‌ها را (برای ریا، کم‌فروشی، گران‌فروشی، دروغ‌گویی، خیانت و ...) برای او قرار داد. شیطان غذا خواست و خداوند سفره‌هایی که در آنها غذا خوردن بدون بسم‌الله شروع می‌شود را برای او قرار داد. نوشیدنی خواست و خداوند شراب و مستی را برای او قرار داد و ... (کامرانیان، ۱۳۸۷: ۵۸).

شیطان ویژگی‌ها و محدودیت‌های دیگری نیز نسبت به انسان و فرشتگان دارد. شیطان رانده شده و از نعمت‌های خداوند بی‌بهره است و هرگز نمی‌تواند از جای‌گاه خود بالاتر رود. در برخی از سریال‌های تلویزیونی و فیلم‌های سینمایی، به سبب عدم دقت و توجه کافی به جزئیات زندگی شیطان، ترسیم سیمای واقعی شیطان دچار انحرافات فراوانی می‌شود. در واقع می‌توان گفت در رسانه امروز دقت و تمرکز برای تصویرسازی شیطان اهمیت بیش‌تری نسبت به دیگر فرشتگان دارد؛ زیرا نه فقط تصویر شیطان فضای جاذبه بیش‌تری به اثر و متن می‌بخشد، بلکه شخصیت شیطان (از لحاظ رازآمیزی و نقش او در هستی) جذابیت بیش‌تری برای انسان دارد. به همین سبب مخاطبان بیش‌تری دارد و انحراف در تصویر چنین شخصیتی راحت‌تر می‌تواند موجب خرافه‌گرایی شود.

همان‌طور که اشاره شد، شیطان با فرشتگان تفاوت‌های آشکاری دارد هم‌چون جن بودن، توانایی زاد و ولد، و توانایی سرپیچی کردن از دستورات پروردگار. مهم‌ترین عمل شیطان وسوسه کردن و فریفتن است و این کار را تا جایی ادامه می‌دهد که انسان به گناه مرتکب شود. اما باید توجه کرد که شیطان تسلطی بر بشر ندارد و فقط می‌تواند او را وسوسه کند و گناه را در نظر او لذت‌بخش کند. بنابراین، اگر انسان ایمان محکمی داشته

باشد و در برابر نفس خود استقامت نشان دهد، شیطان هرگز نمی‌تواند کاری از پیش ببرد. امام صادق (ع) می‌فرماید:

هیچ قلبی نیست مگر این‌که دو گوش دارد؛ در یکی ملک مرشد ارشاد می‌کند یعنی توصیه به نیکوکاری و حقیقت و خیر می‌کند و در گوش دیگرش شیطان فتنه‌گر توصیه به کارهای بد و شر می‌کند. شیطان انسان را امر به معاصی می‌کند و فرشته هادی نهی از معاصی می‌کند. به همین سبب هر انسانی مسئول اعمال خویش است و بنا به این آزادی انتخاب پیروی از خداوند متعال یا اطاعت از شیطان است که به انسان پاداش و عقاب داده می‌شود (صدرالمتألهین شیرازی، ۱۳۶۰: ۲/ باب قلب).

نخستین نکته‌ای که درباره سربال‌های مذکور قابل بحث است تجسم و تمثیل شیطان است. آیا شیطان می‌تواند به شکل و شمایل انسان درآید؟ آیا تمثیل شیطان در هیئت انسان فقط برای پیامبران بوده است یا برای ارتباط با دیگر انسان‌ها نیز می‌تواند به نقش انسانی عادی دربیاید؟

شیطان با اشکال و چهره‌های گوناگونی بر پیامبران ظاهر شده است. او همسر حضرت ایوب (ع) را، که با کمال وفاداری و صمیمیت به پرستاری آن حضرت کمر بسته بود و در مدت فقر و بیماری او اظهار خستگی نمی‌کرد، وسوسه کرد و سبب شد که آن زن نزد حضرت ایوب (ع) برود و از حال خود و ایوب شکایت کند (محلّاتی، ۱۳۸۵: ۳۴۰). خداوند جای‌گاه شیطان را به حضرت عیسی (ع) نشان داد؛ آن حضرت شیطان را دید که سرش مانند سر مار بود (کامرانیان، ۱۳۸۷: ۱۶۹). مثال‌های فراوان دیگری وجود دارد که نشان می‌دهد پیامبران می‌توانند شیاطین را ببینند.

هم‌چنین روایاتی وجود دارد که به جز پیامبران افراد دیگری نیز می‌توانند شیطان را در شمایل گوناگون ببینند.

‘حارث بن هاشم’، که ابلیس را به صورت سراقه می‌دید، با او گلاویز شد. ابلیس محکم بر سینه حارث کوبید به طوری که از اسب سرنگون شد و ابلیس نیز فرار کرد (همان: ۱۸۴).

در روایتی دیگر از امام رضا (ع) از پدران گرامی‌اش آمده است: روزی نزدیک کعبه نشسته بودم، ناگهان پیرمردی را دیدم گوژپشت که از شدت پیری ابروهای او بر روی چشمش افتاده، عصایی در دست، کلاه سرخی بر سر و لباس پشمینه‌ای بر تن، نزدیک پیغمبر اکرم (ص) آمد و عرض کرد: یا رسول الله (ص)! دعا کن تا خداوند مرا بیمارزد. رسول خدا (ص) فرمود: ای پیرمرد سعی و کوشش تو بی‌ثمر و عمل و خواسته تو بی‌فایده

است. پیرمرد از آنجا رفت و پیامبر اکرم (ص) فرمودند: یا ابالحسن! او شیطان لعین بود ... (همان: ۱۸۵).

در فیلم *ایوب پیامبر (ع)* برای ترسیم شیطان (لحظه‌ای که همسر ایوب (ع) را وسوسه می‌کند) دقیقاً از چنین توصیفاتی استفاده شده است و شیطان را به همین شکل نشان داده‌اند. البته در برخی از روایات چهره شیطان در هنگام روبه‌رو شدن با همسر ایوب (ع) به گونه‌ای دیگر تشریح شده است: «وقتی ابلیس نتوانست بر حضرت ایوب (ع) مسلط شود، به سراغ همسر او، حوا، رفت. شیطان به صورت جوانی زیبارو از حوا خواست گوسفندی را نزد حضرت ایوب (ع) ببرد» (کامرانیان، ۱۳۸۹: ۱۲۷). از همین روست که سازندگان و اهالی رسانه باید تحقیقات فراوانی در ترسیم چنین شخصیت‌هایی انجام دهند و مستندترین و معتبرترین آن‌ها را برای اقتباس انتخاب کنند.

ترسیم شیطان در سریال یا فیلم با مشکل مهمی روبه‌روست؛ اگر فیلم‌ساز شیطان را به شکل انسان به تصویر بکشد، امکان ناامنی و فضای رعب و وحشت در بین مخاطبان وجود دارد؛ زیرا ممکن است مردم نسبت به حرف اطرافیان خود و حتی مؤمنان بی‌اعتماد شوند. برخی از منتقدان دیدن تصویر شیطان را فقط مختص پیامبران می‌دانند و به جز این مورد تجسم و تمثیل شیطان را بر خلاف فرامین الهی می‌دانند.

اصولاً ترسیم شیطان در قالب انسان در مقابل هر فرد عادی و معمولی خلاف آموزه‌های دینی است. اگرچه شیطان به شکل انسان در مقابل پیامبران گوناگون ظاهر شده است، اما پیامبران جزو موارد خاص و معدودند و در مقوله استثنائات جای می‌گیرند.

امکان نمایش شیطان در قالب یک انسان ممکن است باعث به وجود آمدن فضای بی‌اعتمادی در جامعه شود و این‌که دیگر نمی‌توان به کسی اعتماد کرد و در این میان حتی به حرف‌ها و نظرات بهترین و مؤمن‌ترین دوستانمان نیز بی‌اعتماد می‌شویم (www.iqna.ir).

از سوی دیگر، چنین سریال‌هایی می‌توانند موجب شوند مردم بیش‌تر به اعمال و رفتار شخصی و روابطشان با دیگران توجه کنند و رفتارها و اعمال شیطانی را تشخیص دهند. مشکل اصلی‌ای که در تجسم شیطان وجود دارد نمایش وسوسه‌های شیطان است که در سریال *تلویزیونی اغماء* نیز به شدت از آن انتقاد شد.

۷. اغماء

شیطان در هر لحظه می‌تواند تعداد بی‌شمار و بی‌نهایتی از مردم را وسوسه کند (یکی از دلایل این امر قدرت تولید مثل شیطان و تعداد بی‌شمار فرزندان او یا همان شیاطین است)،

اما در سریال‌هایی هم‌چون *اعماء شیطان*، که به شکل جوان زیبارویی به نام الیاس (با بازی حامد کمیلی) در آمده است، فقط چند نفر را وسوسه می‌کند. در حالی که شیطان این توانایی را دارد که انسان‌های متعددی را به طور هم‌زمان وسوسه کند. اما در این سریال زمانی که شیطان در حال فریفتن شخصی است نمی‌تواند به سراغ فرد دیگری برود و این مخالف فرامین الهی و جهان لاهوتی است. نسل شیطان و شیاطین به شکل‌های گوناگون همه جا پراکنده شده‌اند و در اطراف زمین منزل گرفته‌اند، به طوری که در بیابان‌ها، جنگل‌ها، راه‌ها، نهرها، و محل نگه‌داری حیوانات سکونت دارند (غفاری، ۱۳۸۹: ۶۱). نکته مشکل‌ساز در سریال *اعماء* چهره نورانی و تسبیحات شیطان است. فیلم‌ساز برای فریب مخاطب چهره مرد جوان (شیطان) را در نور سبز قرار داده است؛ در حالی که نور سبز نوری ملکوتی و یکی از نشانه‌های پیامبر اکرم (ص) و خاندان ایشان است و شایسته نیست موجودی هم‌چون شیطان نورانی (به‌ویژه با نور سبز) نمایش داده شود.

از طرف خداوند به شیطان اجازه داده شده است که با شمایل انسان در فریب دادن بندگان بکوشد، اما قطعاً محدودیت‌هایی برای او وجود دارد. در *سفینه البحار* آمده است: روزی که کفار مکه در «دار الندوه» برای مشورت درباره قتل پیامبر اکرم (ص) اجتماع کردند، شیطان به صورت پیرمرد نجدی وارد مجلس شد و دستورهای لازم را در این باره داد؛ خداوند به شیطان فرمود: به یاد بیاور زمانی را که مشرکان مکه نقشه می‌کشیدند و چاره‌اندیشی می‌کردند تا تو را به زندان اندازند، به قتل برسانند، یا تبعید کنند. اما خدا نقشه آنان را نقش بر آب کرد (قمی، ۱۳۷۷: ۴۰۳).

از سوی دیگر، در این سریال شیطان در حال تسبیح گفتن نمایش داده می‌شود. آیا شیطان می‌تواند تسبیحات داشته باشد؟ آیا او نماز، روزه، یا ذکر الهی را انجام می‌دهد؟ آیا به شیطان اجازه داده می‌شود که در نقش عبادت‌کننده ظاهر شود؟ بی‌گمان شیطان از راه فریب‌ها و نیرنگ‌های فراوان و متفاوتی می‌تواند در صدد انحراف بندگان خداوند باشد و بر اساس روایتی از امام صادق (ع) حتی می‌تواند در شکل فردی عابد ظاهر شود.

عابدی در میان بنی‌اسرائیل زندگی می‌کرد که به دنیا و زخارف آن پشت کرده بود. روزی ابلیس لشکریان خود را فراخوانده و از آن‌ها خواست تا به شکلی در او نفوذ نمایند. هر کسی پیش‌نهادی به ابلیس داد، اما هیچ‌کدام مورد قبول ابلیس واقع نشد. تا آن‌که یکی از شیاطین پیش‌نهاد کرد تا از راه نیکوکاری و احسان در او نفوذ نمایند. ابلیس نظر او را پذیرفت تا آن‌که آن شیطان نزد عابد آمده و با او مشغول عبادت گشت (کامرانیان، ۱۳۸۹: ۳۷۹).

شیطان به طرق گوناگون می‌تواند انسان را فریب دهد، اما مسئله این‌جاست که شیطان چه زمانی این قدرت تسلط را پیدا می‌کند؟ این‌که شیطان می‌تواند آزادانه تمام ترندهایش را برای انسان پیاده کند به سبب آن است که انسان به او این اجازه را داده و قلبش را با تردید و شک آلوده کرده است. قرآن کریم از زبان شیطان می‌گوید: «من سلطه‌ای بر شما نداشتم، جز این‌که شما را دعوت کردم و شما هم دعوت مرا اجابت کردید» (ابراهیم: ۲۲). بنابراین، هنگامی که انسان با شرک و تردید قلبش را از پاکی، آرامش، و نور الهی خالی کرد، شیطان می‌تواند به درونش نفوذ کند و همدم او باشد و گرنه چنان‌که قبلاً اشاره شد، انسان مدام از سوی فرشته‌ها به سوی پروردگار و نیکوکاری دعوت می‌شود، اما زمانی که به همه این‌ها پشت کند، طبق خواسته خود باید فقط از شیطان پیروی کند. منزل شک منزل شیطان است. شهید مطهری گفته است: شیطان جنبه رسوخ در باطن انسان را دارد و کارش فقط این است که انسان را به بدی، شر، و معصیت دعوت کند، اما این دعوت اجباری نیست (مطهری، ۱۳۶۹: ۳۳۹).

توجه /غماء به این نکته قابل تأمل است. دقیقاً زمانی که پزشک فیلم پس از مرگ همسرش دچار شک می‌شود و به عدالت خداوند تردید می‌کند، مردی جوان در نقش ابلیس وارد زندگی او می‌شود و این دقیقاً مطابق آیه ۱۰۰ سوره نحل است: «تسلط شیطان تنها بر کسانی است که دوستش می‌دارند و به خدا شرک می‌آورند». نقش زن در /غماء یکی دیگر از موارد قابل توجه است. هم‌چنان‌که در برخی از کتب و مکاتب دیده‌ایم شیطان در ابتدا حوا را فریب می‌دهد و سپس آدم (ع) نیز فریب می‌خورد. اما قرآن کریم فعل فریب خوردن را درباره هر دو به کار می‌برد:

و گفتیم: ای آدم! تو با همسرت در بهشت سکونت کن و از (نعمت‌های) آن از هر جا که می‌خواهید گوارا بخورید (اما) به این درخت نزدیک نشوید که از ستم‌گران خواهید شد. پس شیطان با (فریب دادنشان) موجب لغزش آنها از بهشت شد و آنان را از آنچه در آن بودند بیرون کرد ... (مائده: ۹۱).

/غماء برای این‌که نشان دهد معیار ایمان، خداپرستی، و پرهیزکاری انسان ربطی به جنسیت ندارد پزشک فیلم (که مذکر است) را به شکل شخصی فریب‌خورده و پیرو شیطان و «پری» و «بردیا» (شخصیت‌های دیگر سریال) را در نقش آشکارکننده چهره دروغین مرد جوان (شیطان) نشان می‌دهد. هم‌چنین برای آن‌که مخاطب بداند شیطان می‌تواند در نفس آدمی رسوخ کند و نیز برخی از انسان‌ها (آن‌هایی که خداوند رهایشان کرده است) به سبب پیروی زیاد از شیطان خودشان به شیطان بدل شدند شیطان را در شمایل انسانی به تصویر

در آورده است که باطن شیطانی‌اش مشخص نیست. این رویکرد در اغماء موجب شده است که از چهره‌آرایی‌هایی که در سینمای غرب از شیطان می‌شود و تصویر عجیب و غریب برخی از عوام از شیطان پرهیز شود. با توجه به این‌که در برخی از روایات و احادیث به چهره ترسناک شیطان اشاره شده است، نباید فراموش کرد که شیطان به سبب توانایی رسوخ در باطن بشری و قدرت تمثل می‌تواند به هر شکلی دربیاید.

در تصویرسازی شیاطین و فرشتگان بیش از آن‌که چهره ظاهری‌شان اهمیت داشته باشد، اعمال و کردارشان اهمیت دارد تا اولاً مخاطبان، به‌ویژه مخاطبان مسلمان کشورمان که با آموزه‌های اسلامی آشنا نیستند، آن‌ها را باور کنند؛ ثانیاً مخاطبان را دچار سردرگمی و انحراف از آموزه‌های دینی نکند. یکی از سوالات مهمی که با دیدن اغماء در ذهن مخاطب شکل می‌گیرد این است که آیا شیطان برای فریب هر کسی به شکل انسانی عادی بر او ظاهر می‌شود؟ آیا شیطان ما را، که برخی مواقع دچار گناه می‌شویم، در شمایل انسانی فریب داده است؟ آیا همه انسان‌ها می‌توانند شیطان را ببینند؟

در تفسیر نمونه آمده است که تأثیر شیطان در وجود انسان نوعی تأثیر مخفی و پنهانی است، به طوری که انسان خیال می‌کند که فکر و نظر شیطان فکر و نظر خود اوست. از همین روست که شیطان را خناس (کسی که خود را مخفی می‌کند و مخفیانه اعمالش را انجام می‌دهد) می‌نامند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۴۲۱: ۱/ ۵۷۴). خداوند نیز در قرآن کریم به گام‌های شیطان اشاره کرده است که مقصود همان وسوسه‌های نیرنگ‌آمیز اوست: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از گام‌های شیطان پیروی نکنید، (زیرا) هر کس پیروی گام‌های شیطان شود او را به فحشا و منکر فرمان می‌دهد» (نور: ۲۱). شیطان نافرمانی از خداوند را در نظر گناه‌کاران زیبا جلوه می‌دهد و گناه را در نظر آن‌ها کوچک نشان می‌دهد. مثلاً در سنین جوانی به ذهن آدمی خطور می‌کند که تا جوان است از زندگی لذت ببرد، عبادت و طاعت خداوند را به سنین پیری موکول کند، نماز نخواند، روزه نگیرد، شراب‌خواری کند، و در پی فحشا برود. این مبحث به‌ویژه در عصر امروز به‌وضوح دیده می‌شود. بنابراین، شیاطین در بیش‌تر موارد مخفیانه انسان را وسوسه می‌کنند و او را به سوی نافرمانی از دستورات الهی فرا می‌خوانند مگر در موارد نادری هم‌چون داستان «عابد و ابلیس» که از امام صادق (ع) نقل شده است. در نتیجه، برای به وجود نیامدن چنین شبهاتی درباره سرپال/ اغماء یا هر فیلم دیگری که چهره شیطان را به نمایش درمی‌آورد، بهتر آن است که بیش‌تر از وسوسه‌ها و نیرنگ‌های شیطان استفاده شود تا این‌که شیطان، هم‌چون انسانی معمولی، در ارتباط با شخصیتی قرار بگیرد. البته مخاطبان نباید فراموش کنند که هر

اثری نقص‌هایی دارد و ممکن است در برخی مواقع دقیقاً مطابق آموزه‌ها و دستورات الهی نباشد. بنابراین، با مشاهده چنین آثاری قبل از پذیرش آن باید به قرآن کریم و دیگر منابع معتبر رجوع کنند.

هنگامی که دربارهٔ تجسم، تصویر، و ترسیم عالم ملکوتی صحبت می‌شود و آثار تولیدشده نقد و حتی انتقاد می‌شوند، نباید این ذهنیت را به وجود آورد که تصویر چنین عوالمی از اساس اشتباه است و همواره ایراداتی به وجود می‌آید که انسان را دچار گناه می‌کند. تجسم و مادی نشان دادن عالم باقی با تمام مؤلفه‌ها و عناصرش گناه محسوب نمی‌شود؛ زیرا قرآن کریم برای درک بهتر بندگان تصویری مادی از بهشت و دوزخ ارائه کرده است. هم‌چنان که در سوره طه خداوند به شکل آتش بر حضرت موسی (ع) تجلی می‌یابد. اما مسئله این است که ترسیم شخصیت‌هایی هم‌چون فرشتگان یا شیاطین به تحقیق و تفحص فراوانی نیاز دارد و خلق چنین داستان‌ها و شخصیت‌های غیرمادی‌ای نباید بر اساس خیال‌پردازی، اقتباس از تفکر و جهان‌بینی غربی، یا ادیانی هم‌چون مسیحیت و یهود باشد، بلکه باید فقط از اسنادی هم‌چون قرآن کریم، احادیث، و روایات معتبر نقل شده از ائمه اطهار (ع) اقتباس شوند و منطبق با آموزه‌های اسلامی باشند. سبب این امر حضور مخاطبانی است که مسلمان‌اند و با منابع اسلامی آشنایی دارند.

بنابراین، درامی که به تصویر درمی‌آید نباید با جنبه‌های نمایشی، اصول درام‌نویسی، و جلوه‌های بصری مفاهیم معنوی و مذهبی را بپوشاند و فقط به دنبال جذب مخاطب باشد. سینما، تلویزیون، و به طور کلی داستان با خیال‌پردازی همراه است. سیروس شمیسا در تعریف داستان می‌نویسد: «داستان اثری است روایی به نثر که مبتنی بر جعل و خیال است» (شمیسا، ۱۳۸۹: ۱۶۳).

۸.۱/ او یک فرشته بود

سریال دیگری که در حوزه فرشتگان و البته شیطان قابل تأمل است، *او یک فرشته بود* است که در ماه مبارک رمضان از شبکهٔ دوم سیما پخش شد. بارزترین نکته‌ای که دربارهٔ این سریال جلب توجه می‌کند و مناقشات فراوانی به همراه داشت تصویر یک زن در نقش شیطان است. زمانی که در رسانه شیطان یا فرشته‌ای به تصویر درمی‌آید، جنسیت او از اولین دغدغه‌هایی است که ذهن سازندگان و در زمان پخش ذهن مخاطبان را به خود مشغول می‌کند.

همان‌طور که قبلاً توضیح داده شد قرآن کریم به‌صراحت در این موضوع مشخص کرده است که این موجودات هم‌چون موجودات زمینی جنسیت (مذکر و مؤنث) ندارند. اما درباره شیطان تفاوت‌هایی وجود دارد، زیرا شیطان فرشته نیست و از جنیان است. امام صادق (ع) درباره آفرینش شیطان فرموده است:

پس از آن‌که خداوند متعال 'نار سموم'، که آتشی بدون دود و حرارت (شعله درخشنده) بود، را خلق کرد از آن 'مارج' را آفرید. سپس برای مارج همسری به نام 'مارجه' آفرید. ابلیس و فرزندان زیادی از طایفه جن از این دو نفر متولد شدند. ابلیس نیز با زنی به نام 'لهیا' از طایفه جن ازدواج کرد. از این زن یک بار 'بلیس و طونه' و بار دیگر 'فقطس و فقطسه' به دنیا آمدند. نسل شیطان و شیاطین از این‌ها زیاد شد (کامران، ۱۳۸۹: ۲۵۹).

شخصیتی که در این سریال تصویر شده است ابلیس را نمایان می‌کند نه شیاطین را زیرا شیاطین، که همان فرزندان ابلیس اند، می‌توانند مؤنث یا مذکر باشند. اما خود ابلیس مذکر است. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا ابلیس، که بر طبق روایات مذکر است، می‌تواند به شکل زن ظاهر شود؟ در روایات ذکر شده است که برخی از شیاطین به شکل زن درآمده‌اند.

بنابراین، طبق منابع اسلامی، شیطان به شمایل یک زن ظاهر نشده است و این تفکر که شیطان می‌تواند در کالبد یک زن ظاهر شود برخاسته از تفکرهای غیراسلامی، غربی، و ادیان گذشته است که البته بسیاری از دستورات آن‌ها تحریف شده است. همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد، در تورات شیطان به شکل مار ابتدا حوا را فریب داد. «زن اغواگر»، که امروزه به‌وفور در سینمای غرب به‌ویژه در هالیوود دیده می‌شود و بیش‌تر در ژانر نوآر^۱ وجود دارد، زاده تفکری مدرن و امروزی است که سرچشمه‌اش را باید در تحریفات ادیان گذشته جست‌وجو کرد. در این نوع جهان‌بینی زن به سبب مؤلفه‌های جسمی و روحی‌اش بیش‌تر در معرض گناه و انحراف قرار دارد و نسبت به مرد به شیطان و اعمال شیطانی نزدیک‌تر است. بنابراین، چنین تصویری که ابلیس زن است یا بیش‌تر در زن نفوذ می‌کند منشأ اسلامی ندارد و از آن دسته از تحریفات و خرافه‌هایی است که متأسفانه در ذهن بسیاری از مردم جانشین حقیقت شده است. حضور شیطان در شکل زن حتی موجب شده است که ساختار دراماتیک اثر نیز لطمه بخورد؛ زیرا شیطان به سبب این‌که مؤنث است بیش‌تر در فکر گمراه کردن مردان است، در حالی که در اسلام جنسیت انسان‌ها برای شیطان مهم نیست و برای او فقط لطمه زدن به ایمان بندگان خداوند اهمیت دارد.

البته در این سریال شیطان به شکل مرد نیز نمایان می‌شود و ناخودآگاه این سؤال

دوباره مطرح می‌شود که آیا شیطان برای فریب و گمراهی انسان‌ها هر بار در شمایل انسان ظاهر می‌شود؟ شیطان برای فریفتن انسان نیاز به تمثیل یا تغییر چهره ندارد. او با اجازه‌ای که خداوند به او داده است می‌تواند قلب و روان انسان را وسوسه و از هر طرف او را به سوی گناه دعوت کند و معصیت را در نظر انسان زیبا جلوه دهد. شیطان در باطن انسان چنان رخنه می‌کند که او می‌پندارد وسوسه‌های شیطان از ذهن و قلب خودش سرچشمه گرفته است.

در او یک فرشته بود شخصیت مرد به سبب غروری که دارد دعوت شیطان را می‌پذیرد و پس از آن گناهان دیگری هم‌چون بی‌احترامی به مادر و خیانت به همسر را مرتکب می‌شود که این نکته بسیار مهمی در بازنمایی شیطان است. شیطان به یک گناه از سوی انسان بسنده نمی‌کند، بلکه مدام در تلاش است که او را بیش‌تر از خداوند دور کند و در گناه و معصیت فرو ببرد. البته سریال/اعماء نسبت به سریال/او یک فرشته بود، گناهان بیش‌تری از جمله شک و تردید، کفر، و قضا شدن نماز را به شکل عمیق‌تری بررسی کرده است.

تجسم شیطان یا فرشتگان پرشش مهم و رایجی را در ذهن بیش‌تر مخاطبان ایجاد می‌کند که آیا زمانی که فرشتگان و شیطان به صورت انسان درمی‌آیند می‌توانند رفتارهای انسانی هم‌چون غذا خوردن و خوابیدن را داشته باشند؟ همان‌طور که قبلاً نیز توضیح داده شد، تمثیل فرشتگان ماهیت واقعی آن‌ها را تغییر نمی‌دهد. قرآن کریم در داستان حضرت ابراهیم (ع) غیرمستقیم به این نکته اشاره کرده است. چنین امری در سریال‌هایی هم‌چون ملکوت، که درباره فرشتگان ساخته شده است، با دقت و بر اساس آموزه‌های اسلامی تبیین شده است. در او یک فرشته بود شیطان به سبب این‌که از اجنه است می‌تواند رفتارهای انسانی مانند غذا خوردن و عصبانی شدن را از خود نشان دهد. مسئله دیگری که پیش می‌آید نام این سریال (او یک فرشته بود!) است در حالی که شیطان فرشته نیست و چنین عنوانی مخاطبان را دچار شبهه می‌کند.

شیطان مانند انسان در جهان مادی محصور نیست و هر لحظه می‌تواند انسان‌های بسیاری را فریب دهد و محدودیت زمانی و مکانی برای او معنا ندارد. در این سریال، شیطان هم‌چون انسان، محدودیت‌هایی دارد که با ماهیت واقعی شیطان مغایر است. برای ظاهر شدن در نقش یک مرد و حضور در خانه او ناچار است از خانه «بهزاد» غیب شود یا برای ارتباط با شخص دیگری از تلفن استفاده کند. در حالی که شیطان اساساً برای فریفتن انسان‌ها نیازی ندارد که از محلی به محلی دیگر برود. شیطان و شیاطین از جنیان‌اند و توانایی‌های آن‌ها با ذهن محدود انسان درک نمی‌شود.

۹. نتیجه‌گیری

در این پژوهش سیمای حقیقی شیطان و فرشتگان در متون اسلامی هم‌چون قرآن کریم، احادیث، روایات، و دیگر متون دینی نشان داده شد. هم‌چنین از آن‌جا که تفکر موجود در رسانه‌های غیردینی انحرافات را در اذهان به وجود آورده است و حتی بر رسانه‌های دینی و اسلامی تأثیر گذاشته است، به تصویر فرشتگان و شیاطین در رسانه‌های غیراسلامی نیز توجه شد.

ترسیم شیطان از مواردی است که در هر دو تفکر دینی و غیردینی مورد تأمل قرار گرفته است. ترسیم شیطان به شکل و شمایل زن به جهان‌بینی فرهنگ جاهلی، افسانه‌ها، و اساطیر باستان، که فرهنگ غرب از آن‌ها الهام می‌گیرد، وابسته است. بسیاری از متفکران غیراسلامی معتقدند که شیطان ابتدا حوا را فریفته است و سپس حوا حضرت آدم (ع) را فریب داده است. در حالی که قرآن کریم و دین اسلام چنین اعتقادی را مردود می‌شمارند. بنابراین، در دین مبین اسلام زن و مرد جای‌گاه یکسانی در نزد خداوند دارند و فقط اندازه ایمان موجب تمایز انسان‌ها می‌شود. هم‌چنین بر طبق روایات معتبر ابلیس فرشته نیست، از جنیان است، و از نظر جنسیت مذکر است. بنابراین، ترسیم و تصویر ابلیس با فرشتگان متفاوت است. از سوی دیگر، اهالی رسانه باید آگاه باشند که شیطان در شرایط خاص و برای انسان‌های خاصی مجسم می‌شود و هر انسانی قدرت رؤیت آن را ندارد. با این تفاسیر تحلیل و تفسیر سیما و شخصیت واقعی ابلیس به مطالعه و پژوهش بسیاری نیاز دارد. اهالی رسانه پیش از آن‌که این شخصیت را در نظر مخاطبان مجسم کنند باید هم‌چون پژوهش‌گر پژوهش‌های کافی را در این حوزه انجام داده باشند. متأسفانه آثاری که در این حوزه در سینما و تلویزیون تولید شده‌اند گاهی به‌شدت متأثر از رسانه‌های غربی است که این هم مستلزم تسلط کافی سینماگران و برنامه‌سازان بر جای‌گاه شیطان در جهان از منظر اسلام است. سریال‌های تلویزیونی / اعماء و / او یک فرشته بود گام‌های مثبتی در این راستا برداشته‌اند و قابل ستایش‌اند، اما اشتباهات و ضعف‌هایی در این آثار دیده می‌شود از جمله ترسیم شیطان به صورت زن بدون توجیه و دلایل محکم برای تمثیل و تجسم شیطان که هم به سبب تأثیرات غربی و هم به سبب نقص در تحقیقات در این حوزه است. نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که برای مقابله با انحرافات غربی در زمینه ادیان الهی لازم است مسلمانان با تسلط بر آموزه‌های اسلامی آثار تصویری مناسب و فاخر تولید کنند تا نه فقط جهانیان را با ذات حقیقی اسلام و جای‌گاه فرشتگان و شیاطین در عالم هستی آشنا کنند، بلکه به‌درستی و با قدرت کافی در برابر تبلیغ‌های نادرست و ضداسلامی ایستادگی کنند.

پی‌نوشت

۱. فیلم *نوار* حدوداً از ۱۹۴۰ شروع شد و تا اوایل قرن بیستم ادامه داشت. *نوار* در فرانسه به معنای سیاه است و به فیلم *نوار* فیلم سیاه گفته شد. در این بین رمان‌های ریموند چندلر و داشیل همت تأثیر بسیاری در این جریان گذاشتند.

منابع

قرآن کریم.

- بحرانی، سیدهاشم (۱۳۸۹). *تفسیر برهان*، تفسیر روایی شیعه، دوره نه‌جلدی، تهران: کتاب صبح.
- رازی، فخرالدین محمد (۱۳۷۹). *تفسیر کبیر*، ترجمه علی اصغر حلبی، تهران: اساطیر.
- رسولی محلاتی، سیدهاشم (۱۳۸۵). *تاریخ انبیاء، قصص قرآن از حضرت آدم (ع) تا خاتم النبیین (ص)*، قم: بوستان کتاب.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۹). *انواع ادبی*، تهران: میترا.
- صدرالمتألهین شیرازی (۱۳۶۰). *شرح اصول کافی*، ترجمه محمد خواجوی، ج ۳، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- طباطبائی، محمدحسین (۱۳۷۶). *المیزان فی تفسیر القرآن*، تهران: امیرکبیر.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن الحسن الطبرسی (۱۳۸۰). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ترجمه علی کرمی، تهران: فراهانی.
- غفاری، محسن (۱۳۸۹). *ابلیس‌نامه*، تهران: پیام آزادی.
- قمی، شیخ عباس (۱۳۷۷). *سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷). *تفسیر قمی*، به کوشش سیدطیب موسوی جزایری، قم: دار الکتب.
- کامرانیان، عباسعلی (۱۳۸۷). *عصیان‌گر؛ بررسی خلقت، کارها، و انواع شیطان (۱)*، قم: مجنون.
- کامرانیان، عباسعلی (۱۳۸۸). *فرشته‌ها؛ تحقیق قرآنی، روایی، عقلی، و نقلی پیرامون زندگی، کارها، انواع جنس و ... فرشتگان*، قم: نور قرآن و اهل بیت (ع).
- کامرانیان، عباسعلی (۱۳۸۹). *جن؛ بررسی خلقت، زندگی، و کارهای جنیان بر اساس آیات قرآن کریم، روایات ائمه اطهار (ع)*، و حکایات واقعی، قم: نور قرآن و اهل بیت (ع).
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۹). *حرکت و زمان در فلسفه اسلامی*، تهران: حکمت.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۴۲۱ ق). *تفسیر نمونه*، قم: مدرسه امام علی بن ابی‌طالب (ع).

